

بررسی لوث و ماهیت آن در قانون و محاکم ایران

جواد سرخوش^۱، کلثوم پژم^۲

^۱ دکتری فقه و حقوق، دانشیار دانشگاه الزهرا (س)، مدرس دانشگاه تهران شمال (نویسنده‌ی مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی

چکیده

لوث در لغت به معنای قوت است و در اصطلاح فقهی، همراه بودن ادعای مدعی با قرینه‌های است که ادعای وی را تقویت می‌کند. فقه‌های شیعه و سنی لوث در قتل را معتبر می‌دانند اما در مورد لوث در جراحات اعضاء اختلاف نظر وجود دارد. لوث به معنای اماره‌ی ظن آو است یعنی اماره‌ی که موجب ظن قاضی به صدق گفتار مدعی می‌شود که طبق ماده‌ی ۳۱۱ قانونگذار ایران ۱۳۹۲ آن را چنین تعریف کرده است. لوث عبارت است از وجود قراین و اماراتی که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایات یا نحوه‌ی ارتکاب از جانب متهم می‌شود. مصادیق لوث جنبه‌ی حصری ندارد بلکه تمثیلی است مانند دعوای که به شاهد دارد.

واژه‌های کلیدی: لوث، ظن قاضی، صدق گفتار، قرار و امارات، ارتکاب جنایات.

مقدمه:

از جمله موضوعاتی که در قانون مجازات اسلامی آمده و در زمره قواعد فقهی منصوص محسوب می‌شود موضوع لوث است. مراد از منصوص این است که قاعده مذکور مستند به روایت است و در زمره قواعد اصطیادی محسوب نمی‌شود در مورد عمل به قاعده مذکور بین فقها تفاوت نظر وجود دارد؛ فقهای شیعه، بر اعتبار لوث در قتل نفس و اعضاء و جوارح ظاهراً اجماع دارند و عقیده دارند که لوث هم رفع اتهام و هم اثبات جنایت می‌کند یعنی لوث‌ای که اولیای مقتول اقامه می‌کنند اثبات جنایت برای متهم و لوث‌ای که متهم اقامه می‌کند از او رفع اتهام می‌نماید؛ اما علمای عامه اتفاق نظر دارند که لوث فقط در قتل نفس معتبر است و از جمله، ابوحنیفه معتقد است که لوث، اثبات جنایت نمی‌کند و کاربرد حقوقی آن تنها رفع اتهام است ولی مالکی و شافعی و احمدبن حنبل معتقدند که لوث هم اثبات جنایت می‌کند و هم نفی اتهام آنچه که مخالفان لوث به آن نظر دارند اصل تشریح لوث نیست بلکه نامعقول بودن صدور حکم قصاص باستناد سوگند پنجاه نفر است که از مستندات وارده استنتاج مذکور بعید نیست، خصوصاً اینکه حکم مذکور جزء احکام امضایی است و در زمان جاهلیت نخستین کسی که با لوث به داوری نشست ولیدبن مغیره بوده و بعداً این روش تقریر و تثبیت شد.

گفتار اول: لزوم تحقق لوث در قسامه

مواد قانون مجازات اسلامی که مربوط به قسامه است بر ضرورت تحقق لوث برای اجرای قسامه تاکید دارند و این تاکید به خاطر نظر مشهور فقهاست زیرا مشهور فقها آن را لازم می‌دانند اما گروهی از فقها از جمله مرحوم محقق اردبیلی چنین شرطی را رد کرده و اجرای قسامه بدون تحقق لوث را نیز جایز می‌دانند. هر دو گروه برای اثبات ادعای خود به روایات استناد کرده‌اند.

گفتار دوم: دلیل نظر مشهور لوث

- ۱- برخی روایات شرعی بر لزوم لوث، تصریح دارند مانند روایتی که مقرر می‌داشت شخصی از انصار در چاهی از چاه‌های یهود کشته یافت شد. بنابراین روایتهای مطلق که اشاره‌ای به لزوم لوث ندارند حمل بر این روایتهای مقید می‌شوند.
- ۲- روایتهایی که اشاره به لوث ندارند برای اصل مشروعیت قسامه بیان شده‌اند نه اینکه در صدد بیان احکام قسامه باشند. بنابراین اطلاق این روایت برای نفی لوث قابل استناد نیست.
- ۳- اگر لوث در قسامه شرط نبود لازمی که تفاوتی میان اقسام قتلها وجود نداشته باشد حال آنکه روایات شرعی قسامه را تنها در مورد قتل‌های خاصی جاری دانسته‌اند. قسامه از جهاتی که جداگانه ذکر شده است با قواعد عمومی تعارض دارد. بنابراین باید تا آنجا که می‌توان دامنه آن را محدود کرد یعنی به مواردی که لوث وجود دارد اکتفا نمود.

۴- دلیل نظر غیرمشهور

مهمترین دلیل این گروه روایات شرعی است. زیرا در بسیاری از روایتهای تصریحی وجود ندارد که برای اجرای قسامه باید لوث وجود داشته باشد و مثالهایی که در برخی روایات بیان شده است در صدد بیان یک قاعده کلی نیستند.

۵- قسامه مدعی علیه در طول قسامه مدعی است

همانگونه که در متن این ماده آمده است قسامه فقط دلیل اثبات جرم از سوی مدعی نیست بلکه ممکن است دلیل رد اتهام از سوی متهم نیز باشد؛ اما باید توجه داشت که این دو مورد در عرض یکدیگر قرار ندارند بلکه در طول هم هستند. منظور از طولی بدن آن است که چنانچه دلیل دیگری برای اثبات جنایت وجود نداشت ابتدا از مدعی خواسته می‌شود تا در تقویت قرینه‌های ظن‌آوری که وجود دارد قسامه بجا آورد و اگر نتواند این کار را انجام دهد آنگاه نوبت به متهم می‌رسد تا با اتیان

قسامه اثر قرینه های ظنی را زایل نماید. پس نمی توان حالتی را تصور کرد که مدعی و متهم هر دو اتیان قسامه نموده و بخاطر تعارض و تساقط سوگندها حکم به برئت متهم داده شود. علاوه بر اثبات یا نفی اصل جنایت ممکن است قسامه برای اثبات یار خصوصیات جنایت نیز مورد استفاده قرار گیرد (موسوی، ۱۳۷۹، ۶۷).

گفتار سوم: مفهوم لوث

ماده ۳۱۴- لوث عبارت از وجود قرائن و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می شود.

ماده ۲۳۹ ق.م.ا. ۱۳۷۰ بیان می داشت: هر گاه بر اثر قرائن و اماراتی و یا از هر طریق دیگری از قبیل شهادت یک شاهد یا حضور شخصی همراه با آثار جرم در محل قتل یا وجود مقتول در محل تردد یا اقامت اشخاص معین و یا شهادت طفل مییز مورد اعتماد و یا امثال آن حاکم به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند مورد از موارد لوث محسوب می شود. ماده ۳۱۴ برخلاف ماده ۲۳۹ سابق بجای یان نمونه های لوث قاعده کلی را با بیانی ادبی، ارائه می دهد. این شیوه را باید ستود زیرا فن قانونگذاری اقتضا می کند که احکام حقوقی به صورت کلی بیان شود و از بیان مثالها پرهیز شود. مخاطب قانونگذار حقوقدانان هستند یعنی انسانهایی که با مصادیق احکام آشنایی داشته و مثال آوردن نوعی بی احترامی به قدرت استنباط آنهاست. البته در نظام کامن لاو و سیستم حقوقی انگلیس این شیوه مرسوم است که قانونگذار حکم کلی را بیان کرده و برای اینکه نشان دهد به چه نمونه هایی نظر دارد یک رأی را که رویه قضایی در این زمینه صادر کرده است ضمیمه می سازد زیرا این نظام متین بر رویه قضایی است. از بیان این ماده چنین بدست می آید که لوث یک عنصر مادی و یک عنصر معنوی دارد؛ عنصر مادی آن اماره ها و قرائن است و عنصر معنوی ظن قاضی به ارتکاب جنایت است. پس لوث بدون یکی از این دو عنصر به وجود نمی آید.

گفتار چهارم: تعریف لوث

لوث اماره ای است که موجب ظن به صدق مدعی می شود اما حجیت و اعتبار شرعی ندارد.

لوث در لغت به معنای درنگ کردن، پیچیدن پناه بردن بدی و شر، کینه جویی، دلیل غیر کافی و جراحتهای می باشد که سه معنای اخیر با معنای اصطلاحی آن تناسب دارد. ظنی که در تعریف لوث به آن اشاره می شود ظن حاکم است یعنی باید این ظن برای قاضی صادر کننده رأی حاصل شود. همچنین منظور از حصول ظن آن نیست که مدعی ظن به مدعی خود داشته باشد بلکه مدعی باید نسبت به ادعای خویش جزم داشته باشد. قسم خوردگان نیز نباید از روی ظن قسم بخورند بلکه باید یقین داشته باشند. در حقوق اسلام لوث و قسامه به عنوان یکی از مسائل مسلم به حساب می آید و کمتر فقیه‌ی نسبت به آن تردید روا داشته است زیرا روایتهای معتبر فراوانی در تایید آن وجود دارد.

گفتار پنجم: موضوع لوث

در مورد اینکه نمی توان از لوث برای اثبات جرائم علیه اموال و امنیت و آسایش عمومی استفاده کرد اختلافی وجود ندارد اما در مورد اینکه آیا فقط اختصاص به قتل دارد یا شامل جراحتهای نیز می شود اختلاف نظر وجود دارد.

۱- مشهور فقهای شیعه لوث را مختص قتل نمی دانند بلکه به جراحتهای نیز تسری می دهند و حتی ادعای اجماع نیز نسبت به آن شده است.

۲- از مرحوم شیخ طوسی نقل شده است که لوث را تنها در مورد قتل جاری می داند و به اجرای آن در خصوص جراحتهای اعضا اعتقادی ندارد.

گفتار ششم: شرایط لوث

از مجموع منابع شرعی و قانونی چنین استنباط می شود که تحقق لوث دارای شرایطی است که با این شرایط لوث محقق گردیده و زمینه اجرای قسامه فراهم می شود. شرایط مذکور بدین شرح است:

۱- فاضی باید ظن پیدا کند که قتل از سوی متهم صورت گرفته است.

۲- قرائن و نشانه‌های ظنی نباید معارض یکدیگر باشند.

۳- از منطوق و مفهوم مواد موضوع مبحث استفاده می شود که برای حصول لوث باید دلیل شرعی برای وقوع یا عدم وقوع قتل وجود نداشته باشد.

۴- مدعی باید در دعوی خود جزم داشته باشد و آن را از روی ظن و احتمال مطرح نکند.

۵- دعوی باید نسبت به شخص یا اشخاص معینی مطرح شده باشد.

۶- در برخی روایات و در کلام فقها به صراحت یا اشته فاسق بودن متهم نیز شرط شده است یعنی لوث در صورتی محق می شود که متهم فردی دارای سابقه سوء باشد. امام صادق (ع) فرمود: قسامه وضع شده است تا نسبت به کسی که متهم به بدی است سختگیری شود. بنابراین چنانچه علیه چنین شخصی شهادت دهند پذیرفته می شود.

گفتار هفتم: تمثیلی بودن مصادیق لوث

یکی از اقدامات مثبت قانونگذار جدید که البته به صورت کامل انجام نشده است حذف مثالها و مصادیق و بیان احکام کلی به جای آنهاست. در قانون قدیم برخی موارد در کنار قرائن و امارات بیان شده بود اما در قانون جدید مطلقاً از وجود قرائن و امارات سخن گفته شده است. به نظر می رسد همانگونه که در قانون قدیم مواردی که برای تحقق لوث وجود داشت محدود به مورد خاصی نبود در قانون جدید نیز محدودیت وجود ندارد زیرا ملاک ظن قاضی به ارتکاب جرم است (شامبیاتی، ۱۳۹۲، ۶۷).

فقه‌های شیعه با تأثر از روایات مصادیق مشابهی را برای لوث بیان کرده اند مانند شهادت یک شاهد وجود مقتول نزد کسی که دارای اسلحه خون آلود است یافت شدن مقتول در محل خاصی شهادت، اطفال و... سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا مصادیق ذکر شده حصری هستند یا تمثیلی؟ در اینجا دو احتمال و نظریه وجود دارد:

۱- موارد ذکر شده تمثیلی هستند زیرا ملاک تحقق لوث آن است که برای قاضی ظن حاصل شود و راههای حصول ظن نیز فراوان است و نمیتوان آنها را منحصر در مثالهای خاصی کرد.

۲- موارد ذکر شده در روایات حصری هستند زیرا روایات درصدد بیان یک استثنا بایده قدر متقین اکتفا کرد. مرحوم ابن حمزه طوسی در این خصوص چنین اظهار نظر کرده است: لوث در شش چیز است: شهادت یک نفر، یافتن مقتول در قریه یا محله یا شهرک یا کوی قومی که غیر از آن قوم کس دیگری به آنجا رفت و آمد ندارد و میان آن قوم مقتول یا اقوامش دشمنی وجود داشته باشد یا مقتول برای مشورت یا امر دیگری دعوت شده باشد یافتن مقتول در محلی که خون از بدن او جاری است و مردی چاقو بدست در کنار او وجود دارد که بر بدن یا چاقوی او خون دیده می شود و حیوان درنده ای وجود ندارد یافتن مقتول در میان دو قبیله ای که به یکدیگر تیراندازی کرده اند شهادت گروه مشیری که شهادتشان پذیرفته نمی شود و احتمال توطئه نیز در آنها نمی رود یافتن مقتول در چاهی...

گفتار هشتم: اختصاص لوث به جنایت‌ها

معمولاً موضوع اثبات تأثیری در اثبات ندارد به خصوص در اثبات کیفری که هدف کشف حقیقت انسان و اثبات جنبه کیفری ندارد. بر همین اساس باید لوث و قسامه هم در تمامی جرائم قابل استفاده باشد زیرا وقتی علم یا ظن معتبر به وجود آمد و قاضی قناعت وجدان پیدا کرد باید براساس آن تصمیم بگیرد؛ اما همانگونه که گفته شد قانونگذار در مورد جنایت‌ها، جرائم علیه تمامیت جسمانی، سخت‌گیری بیشتری کرده و صرف حصول ظن را کافی نمی‌داند بلکه کسی که ظن یاور اوست و گفته‌هایش را تأیید می‌کند باید سوگند هم یاد کند. بر همین اساس نمی‌توان از لوث برای جرایم علیه امنیت، اموال و آسایش عمومی استفاده کرد و در موارد صدمات جسمانی هم مشهور فقهای شیعه، لوث را مختص به قتل نمی‌دانند اما شیخ طوسی لوثر فقط در مورد قتل می‌داند (رازی زاده، ۱۳۷۴، ۴۶).

گفتار نهم: مشهورترین مصادیق لوث

همانگونه که قبلاً گفته شد لاک تحقق لوص ظن قاضی به وقوع قتل از وی متهم است و این ظن ممکن است از راه‌های مختلفی دست آید اما مهم‌ترین راه‌های حصول ظن که در نوشته‌های فقهی بیان شده است به شرح زیر می‌باشد: (رازی زاده، ۱۳۷۴، ۶۴).

۱- وجود دشمنی و نوعی رقابت شدید و درگیری میان متهم بامتهمان با مقتول به گونه‌ای که این دشمنی و رقابت ممکن است انگیزه ارتکاب قتل شده باشد این دشمنی و رقابت ممکن است به خاطر امور مادی یا معنوی باشد.

۲- پیدا شدن جسد مقتول در محلی که انتساب قتل را به فرد یا افراد معینی مظنون سازد.

۳- متهم دارای حالت و ویژگی‌های خاصی باشد که انتساب قتل به او را مظنون سازد مانند اینکه اشیاء همراه مقتول نزد متهم یافت شود.

۴- گواهی هر گاه دارای شرایط شهادت بر قتل نباشد ممکن است جهت مزید اطلاع استماع شود و ظن بر قتل را تقویت کند. شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۹۲۶-۱۳۷۰/۱۲/۱۰ آورده است: با توجه به مندرجات پرونده و اظهارات گواهان و مطلعین و اعترافات متهم ردیف اول به ایراد ضربه بر سر مقتول و اعتراف متهمان دیگر به حضور در مکان درگیری ظن به ارتکاب بز انتسابی از ناحیه متهمان حاصل است و مورد داخل در باب لوث می‌باشد.

۵- وقوع نزاع و درگیری میان متهم و مقتول نیز ممکن است موجب حصول ظن به ارتکاب قتل از سوی متهم شود.

۶- تناقض‌گویی‌های متهم ممکن است در قاضی ایجاد ظن بر ارتکاب قتل از وی نماید.

۷- اظهار مقتول قبل از مرگ ممکن است ظن به ارتکاب قتل از سوی متهمی را ایجاد کند.

۸- اشیایی از متهم در محل وقوع قتل پیدا شود یا آثاری از وی بر روی جسد مقتول پیدا شود.

۹- سابقه سوءپیشینه کیفری متهم نیز ممکن است از عوامل تحقق لوث باشد.

گفتار دهم: ملاک حصول لوث

ملاک حصول آن است که قاضی ظن به صدق مدعی پیدا کند. یکی از موارد لوث در ماده ۲۴۱ ق.م.ا. ۱۳۷۰ بدین صورت بیان شده بود: هر گاه یکی از دو مرد عادل شهادت به قتل به وسیله متهم دهد و دیگری به اقرار متهم به قتل شهادت دهد قتل ثابت نمی‌شود و چنانچه موجب ظن برای قاضی باشد مورد از موارد لوث خواهد بود. مرحوم خوبی آورده است: اگر یکی از دو شاهد، شهادت به قتل بدهند و دیگری شهادت به اقرار متهم به قتل بدهد قتل ثابت نمی‌شود زیرا بینه و اقرار برای چنین قتلی

وجود ندارد. در این عبارت برخلاف ماده ۲۴۱ سابق اشاره ای به عدالت شاهد نشده است اما این قید را از دلیل‌های خارجی می توان بدست آورد زیرا عادل بودن شرط غیرقابل انفکاک شاهد است. همچنین در عبارت یاد شده فقط عدم ثبوت قتل بیان شده است و نسبت به اینکه مورد از موارد لوث می باشد یا خیر اظهارنظری نشده است ممکن است از این سکوت چنین استنباط شود که این مورد از موارد لوث نیست اما ماده ۲۴۱ ق.م.ا. ۱۳۷۰ آن را لوث دانسته بود. از هر راهی که قاضی ظن به قتل پیدا کند لوث حاصل می شود زیرا مصادیق لوث حصری نیست بلکه انشایی می باشد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶، ۴۷).

گفتار یازدهم: مصادیق مخدوش لوث

همانگونه که بارها گفته شد هر گاه ظن قاضی به صدق مدعی از بین برود موجب تخدیش لوث خواهد بود و اسباب این خدشه نیز قابل احصاء نیستند اما فقهای گرامی در نوشته‌های فقهی خویش مواردی را بیان کرده‌اند که موجب لوث نمی شود. کرچه اصل این ادعا قابل ایراد است زیرا ممکن است وسیله‌ای برای یک قاضی ظن آور باشد اما برای قاضی دیگر ظن آور نباشد و نمی توان به صورت مطلق حکم کرد که چه وسیله‌ای ظن آور است و چه وسیله‌ای ظن آور نیست اما جهت آشنایی با موارد ذکر شده به مهمترین آنها اشاره می کنیم:

- ۱- شهادت کودک: شهادت کودک به تنهایی نمی تواند به وجود آورنده لوث باشد مگر اینکه با قرینه‌ها دیگری همراه شود.
- ۲- شهادت فاسق: البته اگر شهادت کودکان و فساق به حد تواتر برسد ا موارد لوث خواهد بود.
- ۳- شهادت کافر: هر چند فرد قابل اطمینانی باشد البته اگر تعداد کافرانی که شهادت می دهند زیاد باشد و احتمال توطئه نرود می توا شهادت ایشان را از موارد لوث به حساب آورد.
- ۴- شهادت زن: گرچه شهادت زن را از موارد لوث ندانسته اند اما به نظر می رسد که شهادت زن یا زنان عامل مهمی برای تحقق لوث باشد.
- ۵- اماره ای که موجب ظن می شود نباید آمیخته با شک باشد. مثلاً اگر فرد مسلحی در کنار یک مقتول باشد و حیوان درنده‌ای هم در آنجا باشد که احتمال قتل به وسیله آن برود نمی توان وجود فرد مسلح را اماره قتل به وسیله او دانست.
- ۶- اگر شاهد بگوید که قاتل یکی از این دو مقتول را کشت لوث محسوب نمی شود چون اگر ولی یکی از دو مقتول ادعای قتل به وسیله شخص معینی را بنماید این شهادت موجب صدق به گفتار اونخواهد بود.
- ۷- اگر شاهد بگوید که یکی از این دو نفر مقتول را کشتند لوث محسوب نمی شود چون موجب ظن به قتل توسط یکی از آنها نمی شود.

گفتار دوازدهم: ملاک لوث بودن حضور متهم

در مورد لوث بودن حضور متهم در محل جنایت باید توجه داشت که محل جنایت منحصر در مکان خاصی نیست بلکه آنچه اهمیت دارد آن است که میان حضور متهم و قتل بتونا رابطه‌ای برقرار کرد. پس اگر متهم شخص بیماری بوده که توان حرکت ندارد و قتل در محلی رخ داده که متهم در آنجا حضور داشته است نمی توان حضور وی در آن محل را لوث دانست. با این وجود گفته شده است اگر مدعی بگوید که یک نفر از اهل خانه مرتکب قتل شده است می توان قسامه جاری کرد مشروط بر اینکه وجود مدعی علیه در آنجا از طریق اقرار یا بینه ثابت شود پس اگر مدعی علیه حضور خود را انکار نماید سخن او همراه با سوگند پذیرفته می شود چون اصل بر عدم حضور است و لوث نامیده نمی شود لوث نسبت به کسانی محقق می شود که هنگام قتل در خانه بوده‌اند و این باید از طریق اقرار یا بینه ثابت شود (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶، ۷۷).

گفتار سیزدهم: فقدان اماره و لوث

هر گاه مدعی دلیلی برای انتساب قتل به شخص یا اشخاص معین نداشته باشد و لوث هم وجود نداشته باشد دو دیدگاه در مورد تکلیف دادگاه وجود دارد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶، ۸۹).

۱- دادگاه باید منکر را یک قسم بدهد. اینی نظریه مطابق با قواعد شرعی است زیرا تکرار سوگند و اجرای قسامه به معنای خاص آن در صورتی است که ظن بر وقوع قتل از سوی متهم وجود داشته باشد اما اگر چنین ظنی وجود نداشته باشد احکام عادی مدعی و منکر جاری خواهد شد.

۲- منکر باید پنجاه قسم بخورد و این نظریه منتسب به علامه حلی می‌باشد اما مبنای محکمی ندارد.

ماده ۳۱۸- اگر شاکی اقامه قسامه نکند و از مطالبه قسامه از متهم نیز خودداری ورزد، متهم در جنایات عمدی با تامین مناسب و در جنایات غیرعمدی بدون تامین آزاد می‌شود لکن حق اقامه قسامه یا مطالبه آن برای شاکی باقی می‌ماند.

تبصره- در مواردی که تامین گرفته می‌شود حداکثر سه ماه به شاکی فرصت داده می‌شود تا اقامه قسامه نماید یا از متهم مطالبه قسامه کند و پس از پایان مهلت از تامین اخذ شده رفع اثر می‌شود.

نتیجه گیری:

لوث در لغت، مصدر و به معنای قسم یادکردن است. به نظر شهید ثانی، لوث (با فتح قاف) در لغت اسم است برای اولیای دم که بر ادعای خود سوگند یاد می‌کنند. در اصطلاح بعضی از فقیهان، مراد سوگندهایی است که بر اولیای دم تقسیم می‌شود. به هر تقدیر، اسمی است غیر مصدری که جایگزین مصدر شده است. گفته می‌شود: «اقسم، اقساماً و لوث»؛ چنان که گفته می‌شود: «اکرم اکرماً و کرامه». شیخ محمد خطیب شربینی می‌نویسد: «و هی بفتح القاف: اسم الایمان تقسم علی اولیاء الدم مأخوذه من القسم و هو الیمین و قیل اسم الاولیاء، لوث به فتح قاف نام سوگندهایی است که بر اولیای دم تقسیم می‌شود و از قسم که همان سوگند است اخذ شده است و گفته شده: لوث، نام اولیایی است که برای اثبات قتل بر مدعی علیه سوگند ادا می‌کنند.»

سپس می‌گوید: نخستین کسی که در جاهلیت با لوث به داوری نشست، ولید بن مغیره بود و اسلام آن را تقریر و تثبیت نمود. همچنین داستانی از ابوطالب نقل شده که در جاهلیت به لوث مدعی علیه حکم کرده است. از این رو برخی او را نخستین کسی دانسته اند که به لوث عمل کرده است. در نزد حنفی ها، لوث عبارت است از ادای ۵۰ سوگند متعدد در دعوی قتل که توسط ۵۰ مرد اقامه می‌شود. از نظر حنفی ها، اهل محله‌ای که مقتول در آنجا یافت شد، ۵۰ نفر را انتخاب می‌کنند که قسم بخورند تا تهمت از متهم رفع شود. هر یک از آنان سوگند می‌خورد که «به خدا، اومتهم آن شخص را نکشته و ما نمی‌دانیم قاتل کیست». اگر چنین سوگند یاد کنند، دیه بر آنها ثابت است. تحولاتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نظام قضائی کشور پدید آمد سبب شد تا برخی از احکام اسلام که سالیان متمادی به بوته‌ی فراموشی سپرده شده بود آشکار شود و قدرت شگرف خود را در اصلاح جامعه نشان دهد. از جمله‌ی آن احکام که پس از پیروزی انقلاب مورد توجه قرار گرفت و به اجرا درآمد قسامه است.

منابع:

۱. رازی زاده، محمد علی (۱۳۷۴)، قساحه در نظام تضایی اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم
۲. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۲)، جرائم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان
۳. موسوی، روح‌الله (۱۳۷۹)، تحریر الوسيله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، ش، الطبعة الاولى
۴. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۶)، جرائم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چاپ اول

Study of the Louth and Its Nature in the Law and the Courts in Iran

Javad Sarkhosh¹, Kolsoum Pejam²

1- Ph.D. in Jurisprudence and Law, Associate Professor at Al-Zahra University (Tehran University), Professor at North Tehran University (Corresponding Author)

2- PhD Student, Criminal law and criminology

Abstract

Louth literally means strength, and in legal terms, along with the claim with evidence that reinforces his claim. Shiite and Sunni jurisprudence believe the Louth in the murder, but there is not censes about Louth in the filth in the injury members. Louth means suspect evidence; i.e. a suspicion that disrupt the claim for the judge and has defined it in accordance with Article 311 of the Iranian legislature of 2013. Louth is the presence of evidences and the fact that the judge is suspected of committing crimes or of committing an offense from the accused. Examples of Louth do not have an aspect, but is an allegory, as a claim that there is a witness.

Keywords: Louth, Judge's Suspicion, True Speech, Evidence and Fact, Crimes
